

ماکس وبر و جامعه‌شناسی هنر

شاپور بهیان: ماکس وبر (۱۹۲۰ – ۱۸۶۴ م)، جامعه‌شناس آلمانی، مثل مارکس می‌خواست ماهیت و ریشه‌های سرمایه‌داری را بفهمد. اما افق‌های جامعه‌شناختی و فرهنگی او با افق‌های مارکس فرق داشت. وبر گسترش سرمایه‌داری را در پرتو مفهوم «عقلانی‌شدن» درک می‌کرد. «عقلانی‌شدن» نتیجه تخصص‌گرایی علمی و تفکیک فنی است و مخصوص تمدن غربی. «عقلانی‌شدن» عبارت است از سازمان دادن به زندگی، به وسیله تقسیم همسازی فعالیت‌های گوناگون، بر پایه شناخت دقیق مناسبات میان انسان‌ها با ابزارها و محیط‌شان، به منظور تحصیل کارایی و بازده بیشتر.

ماکس وبر برای آنکه یکتایی «عقلانی‌شدن» را نشان دهد، و بگوید اینکه این پدیده مختص تمدن غرب است، به بررسی سایر تمدن‌ها منجمله هند، چین و تمدن اسلامی می‌پردازد تا فقدان آن را در این تمدن‌ها نشان دهد. مثلاً می‌گوید در مصر شواهدی از شناخت‌ها و رصدهایی با دقت فوق‌العاده به چشم می‌خورد، اما آنچه‌اخر شناسی در اینجا کم دارد میبانی ریاضی این علم است که یونانیان آن را پی می‌ریزند؛ یا علوم طبیعی هند از جهت مشاهده بسیار غنی است، اما فاقد روش تجربی، مانند استفاده از آزمایشگاه جدید در دوران رنسانس است. پزشکی نیز به همین سان. همین امر در مورد هنر نیز صادق است. مردمان دیگر احتمالاً گوش موسیقی تکامل یافته‌تری داشته‌اند که در مقایسه با گفته وبر از حساسیت کمتری برخوردار نبوده است. انواع مختلف موسیقی چندصدایی در جهان شایع بوده است و در نقاط دیگر هم مثل غرب، تغییر ملودی و همنوایی آلات موسیقی مرسوم بوده است. دیگران نیز همه فواصل منطقی موسیقی را شناخته و محاسبه کرده‌اند، اما موسیقی همسانگ عقلانی، ارکستر با مجموعه سازمان‌یافته‌ای از سازهای مختلف، نظام نت‌نویسی قطعات موسیقی، سونات‌ها و سمفونی‌ها و اپراها و از این قبیل در هیچ جای دیگری جز غرب وجود نداشته است.

فرآیند «عقلانی‌شدن» را در معماری نیز می‌توان پی گرفت. در عهد باستان و در آسیا، طاق نوک نیز به عنوان یک عنصر تزئینی به کار می‌رفت؛ احتمال می‌رود که شرق با طاق نوک نیز چلیپایی از آتش پیدا بوده باشد، اما استفاده منطقی از طاق گوئیک برای توزیع فشار و مسقف نمودن انواع فضاها و به ویژه به عنوان اصلی برای تاسیس ابنیه عظیم و ایجاد سبکی شامل پیگریتراشی در نقاشی آن طور که در قرون وسطی خلق شد، جز در غرب در هیچ جای دیگری شناخته شده نبوده است.

وبر به لحاظ روش شناسی، در جامعه‌شناسی هنر، از همان اصلی پیروی می‌کند که در سایر حوزه‌های بررسی جامعه‌شناسی ؛ یعنی اصل پی طرفی ارزشی. در اینجا نیز جامعه‌شناس نباید در پی صدور احکام ارزشی برآید.

جامعه‌شناس نمی‌تواند پریش‌هایی از این نوع مطرح کند که آیا وجود آثار هنری مطلوب است؟ آیا هنر معنایی دارد؟ آیا هنر پدیده ای است متعلق به دنیای شر؟ کار جامعه‌شناس آغاز کردن از این واقعیت است که آثار هنری وجود دارند. در این شرایط وظیفه او فهمیدن این مطلب است که چرا و چگونه آثار هنر به این مطلوب است؟ آیا هنر معنایی دارد؟
برای جهت می‌دهند: خلاصه کلام این‌که جامعه‌شناس می‌پذیرد که زیبایی برای انسان معنایی دارد.

برای اطلاعات بیشتر در زمینه جامعه‌شناسی هنر ماکس وبر ر.ک :

- ژولین فروند، ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، راینز، تهران، ۱۳۶۸.
- ماکس وبر، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، پریسا منوچهری کاشانی.

همایش قرآن در مدینه

همایش قرآن از دیدگاه شرق‌شناسان با حضور اندیشمندان اسلامی ۱۶ شوال در مدینه منوره برگزار می شود.

ایکنا به نقل از روزنامه الوطن چاپ عربستان سعودی نوشت: همایش قرآن از دیدگاه شرق‌شناسان، اهداف و روش‌های شرق‌شناسان در پژوهش‌های قرآنی و بررسی نظریه‌های غربی‌ها ۱۶ شوال در مدینه منوره برگزار می‌شود. این همایش را مجمع ملک فهد مرکز چاپ و انتشار قرآن کریم مدینه منوره ترتیب داده است.

در این همایش جمع بسیاری از آکادمیسین‌ها و پژوهشگران حضور خواهند داشت و به بررسی ۳۳ بحث در قالب ۸ محور اصلی خواهند پرداخت.

از جمله محورهای اساسی که در این همایش به آن پرداخته خواهد شد، تاریخ پژوهش‌های قرآنی نزد شرق‌شناسان، روش‌های پژوهشی شرق‌شناسان در قرآن کریم، ترجمه‌های قرآن کریم و بررسی آرای شرق‌شناسان درباره قرآن کریم است.

هدف از برگزاری این همایش نیز بررسی اهداف شرق‌شناسان از پژوهش در قرآن کریم، علوم و حدیث و برداشتن موانع فکری است که بر معرفی اسلام و فهم سلیم قرآن تاثیر ایجاد کرده است.

بخوانیم و بفهمیم

شرق: انجمن علمی فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی باستان اسال کلاس‌های فلسفی را برپا می‌کند. این انجمن سه سال است که تشکیل شده و چندی است که به‌طور منظم کار خود را آغاز کرده است.
برنامه کلاس‌های باستانی اسمال این انجمن جلسات «بخوانیم و بفهمیم؛ بازخوانی کتاب سنجش خود ناب» کانت ترجمه میرشمس الدین ادیب‌السلطنی با نگاهی به متن آلمانی کتاب است که توسط فرزین بانکی استاد سابق دانشگاه وریوخ و استاد دانشگاه علامه طباطبائی اداره خواهد شد.

ضمناً کلاس آموزش قرآن آلمانی هم توسط فرزین بانکی در تابستان اسال برگزار می‌شود.
علاقه‌مندان می‌توانند برای اطلاعات بیشتر به تهران، بل مدیریت، خیابان علامه جوینی، دانشگاه ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی، دفتر انجمن علمی-فلسفه مراجعه کنند.



علی حجوانی: شهین اعوانی همهان «انجمن اخلاق» بود تا درباره کرامت انسانی سخن بگوید. او دکترای فلسفه خود را از دانشگاه بن آلمان دریافت کرده و رساله‌اش با عنوان «کرامت انسانی به عنوان اصل اخلاقی در حقوق بشر» نشان از تمرکز او بر این بحث داشت. بحثی که در دانشگاه‌های الزهرا و تهران نیز آن را تدریس می‌کند.

انسان و شناخت انسان

او در ابتدای سخنانش به مقدمه‌ای درباره شناخت انسان و انسانیت و دیدگاه‌های گوناگون در این زمینه اشاره کرد: «صحت‌انسان درباره خویش دشوار است. انسان قادر است در مورد بسیاری از مسایل صحبت و اظهارنظر کند اما نمی‌تواند از خود فراتر رود و از نگاهی بالاتر خود را بنگرد. تنها تعالیم‌های الهی یا عرفا هستند که می‌توانند انسان را از ورای انسان برتری کنند. ذات انسان برتر از طبیعت و عالم مثال است. علم نمی‌تواند انسان را بشناسد زیرا بر فرضیه استوار است و برداشت‌های گوناگونی از یک فرضیه وجود دارد. در چنین شرایطی ما به عنوان انسان‌های مسلمان می‌دانیم که بیش‌ال عقل‌مغایرتی با عقل و علم ندارد و بهترین منبع برای درک انسان‌شناسی الهی، قرآن است. خداوند برای مخاطب قرار دادن انسان، وحی را برگزیده و هدف از خلقت انسان را بیان می‌کند. او در قرآن می‌فرماید: تمام عالم را برای انسان و انسان را برای خود آفریدم.»

اعوانی پس از پرداختن به آموزه‌های قرآنی درباره خلقت و وجود انسان بحث خود را با اشاره به نفس والای انسانی ادامه داد: «طبق تعالیم قرآنی درمی‌یابیم جسم انسان موجب برتری او نیست بلکه روح الهی دمیده شده در کالبد او موجب برتری ذاتی انسان است.»

نفس و جسم

شهین اعوانی سپس به دیدگاه‌های فلاسفه اسلامی درباره رابطه نفس و جسم پرداخت: «دو دیدگاه درباره رابطه نفس و بدن انسان وجود دارد. عده‌ای اعتقاد دارند نفس، ماقبل از تولد وجود داشته است و بعد از مرگ به آن جهان می‌رود. عده‌ای دیگر عقیده دارند نفس با بدن به وجود آمده است و در

عشق و فلسفه-۱
عشق به دانایی

صالح نجفی: امروزه وقتی از فلسفه حرف می‌زنیم، باید یادمان باشد که از فلسفه غرب با غربی صحبت می‌کنیم، اما اینکه عموماً صفت غربی یا مضاف الیه غرب را بعد از فلسفه نمی‌آوریم شاید از آن روی باشد که ما شرقی‌ها در واقع کلمه philosophy را ترجمه نکرده‌ایم بلکه با اندکی تصرف پذیرفته‌ایم. یعنی مثلاً در ازای آن (حکمت یا دانش یا معرفت و... استفاده نمی‌کنیم. اینکه فلسفه همان philosophy است و از جهاتی دالالت بر ترجمه‌ناپذیری آن می‌کند، بد نیست؛ خاصه که شبیه اسم‌های خاص می‌شود. برای مثال، می‌دانید که افلاطون همان Plato است یا فیلوپلوس همان Phila+Sophia Plotinus و خب، فلسفه هم همان philia+Sophia است. منظور اینکه می‌توان فرض کرد فلسفه یک اسم خاص است و به‌خودی خود معنایی ندارد یا شاید معنایش آقدر مهم نباشد. فرضاً ما اسم مبتنی بلایک (Black) را در نظر بگیرد. برای کسی اهمیت ندارد نام خانوادگی این آقا به معنای «سیاه» است یا در زبان خودمان نام «مراد» را در نظر بگیرد که همواره «مرید» را تداعی می‌کند و شاید از قصا نام فلان متفکر باشد که با پخواری‌ها، امرد و مرابازی؟ بدش می‌آید. اما کلمه فلسفه در اصل از دو واژه یونانی philia (=عشق) و Sophia(=دانایی) ساخته شده است. فلسفه یعنی عشق به دانایی. آنچه مهم است اینکه فلسفه به اعتبار ریشه‌اش عشق است از عشق است و این حقیقت شگفتی است که اغلب از یاد می‌رود. بله، درست است که فلسفه از همان آغاز به تقرب به معنای هر پژوهش یا تحقیق و جست‌وجویی بود که لازمه‌اش بهره‌مندی از توانایی و استعداد ذهنی و کوشش عقلی یا فکری بود، اما یونانیان و در بین ایشان نخستین فیلسوفان همین که از «فیلاسوفیا» حرف می‌زدند به نوعی عشق نظر داشتند. در طول تاریخ این شعبه از عشق دستخوش دگرگونی‌هایی می‌شود، چون به هر تقدیر عشق در همه سلسله‌ها و در بین بیشتر قوم‌ها چیزی درم‌س‌آفرین است و با

جهان دیگر پاسخگوری اعمال بدن است. سهروردی بر این اعتقاد است که انسان در عالم دیگری سیر می‌کرد و با آمدن به این جهان در زندان نفس گرفتار شده و آرزو دارد از آن زندان رهایی پیدا کند. توجه به رابطه میان نفس و بدن از اهمیت زیادی برخوردار است و مقدمه پرداختن به جبر و اختیار است.»

عقل و شرع

اعوانی ناچار بود بخشی از بحث خود را به بررسی جایگاه عقل و شرع در تفکر اسلامی اختصاص دهد و از نتایج تقدم و تاخر یکی بر دیگری سخن بگوید: «عده‌ای از متفکران اسلامی به اهمیت جایگاه عقل در هویت انسانی توجه خاصی دارند و آن را عامل اراده بشری می‌انگارند. آنها می‌گویند عقل راهنمای انسان است و می‌تواند او را به شناخت خیر و شر برساند و عقل خیر را تأیید می‌کند. اما متکلمین اسلامی شریعت را بر عقل مقدم دانسته‌اند. آنها تمسک به عقل را واجب شرعی می‌دانند و اعتقاد دارند اگر شریعت نبود، عقل قدرت اثبات وجود خدا را نداشت. هر چند اندیشمندانی چون آیت‌الله جوادی آملی میان این دو تفکر عقیده میانه‌ای دارند. آنها هم عقل و هم نقل را کاشف از اراده الهی می‌دانند و می‌گویند اگر هر کدام از دو ابزار عقل یا شرع کنار گذاشته شود انسان از مسیر صحیح خارج می‌شود.»

حکمت شادانان

گزارشی از سخنرانی «کرامت انسان از دیدگاه قرآن و فلاسفه معاصر»

کرامت فرشته‌های اجتماعی

وحدت در عین کثوت

او همچنین دو نگاه به آفرینش انسان را مورد توجه قرار داد: «برخی عقیده دارند خداوند انسان را به صورت مثالی خودش آفریده. اما عده‌ای می‌گویند انسان عالم صغیر است و تمام آنچه در دنیا یافت می‌شود هم به لحاظ الهی و هم به لحاظ جسمانی در وجود آدمی قرار دارد. عرفای ما نیز اعتقاد دارند انسان عالم کبیر است. اگر انسان از این عالم حذف شود، شناخت هستی ممکن نیست و چیزی برای طبیعت باقی نمی‌ماند. همچنین انسان دلیلی بر وجود خداست و عبادت انسان به دلیل این‌که عبادتی ارادی است ارزش بسیار زیادی دارد. ضمن این‌ که خداوند به انسان نگاهی وحدانی است. او همه فرشتگان را فرد فرد خطاب می‌کند اما در قرآن می‌فرماید اگر کسی کشته شود نه تنها انسانی کشته شده است بلکه انسانیت از میان رفته است. انسان فرشته‌ای اجتماعی است و در خویشن خود هم فرد است و هم جمع. حال اگر همین انسان اخلاق را کنار بگذارد و به دنبال منافع شخصی خود باشد از حیوان نیز درنده‌تر است و در جایی که نفع جمعی را در نظر می‌گیرد آن فرشته هم مقام بالاتری دارد. اخلاقیات در عالم معانی شکل می‌گیرند و ارزش در عالم ماده معنایی ندارد. عالم ماده دنیای قیمت‌ها است.»

چرا کارشناس‌ها تعطیلند

از تعیین آرایش بازیکنان پیش‌بینی کند؛ مثل همان کاری که مربی‌ها باید بکنند.
تغوید که فوتبال، شیمی یا مدیریت نیست و غیرقابل پیش‌بینی است. شیمی و مدیریت هم آن‌طور که بعضی‌ها فکر می‌کنند، کاملاً پیش‌بینی‌پذیر نیستند و اصولاً چه فعلیاتی کاملاً پیش‌بینی‌پذیر است؟ در مدیریت هم عدم احاطه به ویژگی‌های عناصر مجموعه و فقدان یک تئوری کارآمد، نتیجه راه‌هایی می‌کند که در اداره‌ها و کارخانه‌ها مادی موجود دارد. اما وقتی کارشناس فوتبال چیزی جز نام بازیکنان نمی‌داند و سر از پیچیدگی‌های تاکتیکی و مولفه‌های روانی در نمی‌آورد، مجبور است یا به کلمات قصار بسنده کند و در وصف فوتبال شعر عاشقانه بگوید و یا اینکه بگوید پرتغال، برزیل اروپاست و برزیل، انگلیس آمریکای جنوبی است و هر دو تیم بزرگ هستند و از شگفتی نباید غافل بود و بازی نود دقیقه است و نیمه دوم نیمه مربیان است و شش علی‌هذا. مشکل کارشناسی در مرزیم‌ما فقدان تئوری است. اما در روزهای بعد خواهیم دید که این مشکل در بسیاری از شئونات زندگی ما نقش ایفا می‌کند.

Hamidreza_abak@yahoo.com



کرامت انسان در اسلام

اعوانی در ادامه سخنانش به یکی از مهم‌ترین آثار انسان‌شناسی اسلامی اشاره کرد: «مرحوم علامه طباطبائی در کتاب‌الانسان» سیر نفس را پیش از تولد، در این دنیا و پس از تولد توضیح می‌دهد. او در این کتاب که با نام «انسان از آغاز تا انجام» به فارسی ترجمه شده است روش قرآنی را برمی‌گزیند و در بخشی از آن به کرامت انسان اشاره می‌کند. کرامتی که از سوی خداوند به سبب روح و نفس متعالی به او داده شده‌است. حدیثی در فضیلت علی(ع) روایت شده‌است که فرماید: تصور کنید در قیامت هستید و آن گاه بنگرید که آیا در این دنیا عزت خود را پاس داشته‌اید یا خیر. این حدیث نشان می‌دهد کرامت انسانی چه جایگاهی در تفکر اصیل اسلامی دارد.»

کرامت انسان در غرب

بحث از کرامت انسانی با نگاهی به جایگاه آن در غرب به پایان رسید: «متأسفانه کتاب‌های بسیار کمی به زبان فارسی و عربی درباره کرامت انسانی نوشته شده‌است. حال آن‌که حدود ۳۰۰ کتاب آلمانی درباره کرامت انسانی وجود دارد. در غرب، پس از قرون وسطی انسان برای «خود» تعریف مشخصی پیدا کرد و مفاهیم «من»، «دیگری» اهمیت یافت. انسان نسبت خود را با خدا تعریف کرد تا جایی که کانت عقیده داشت هر چه شایسته انسان است در این دنیا به او می‌رسد. حقوق بشر در دنیای کنونی حداقل‌هایی است که کرامت انسانی را از اوج به حضیض می‌آورد و با کرامت انسانی که قرآن برای او در نظر گرفته است قابل مقایسه نیست. حقوق بشری که پس از ویرانی‌های جنگ جهانی دوم مطرح شد و کسی به برای کرامت روحانی انسان ارزشی قائل نبود.»

پس از پایان سخنرانی، حاضران از دیدگاه‌های مختلفی سخن‌های دکتر شهین اعوانی را نقد کردند و سؤال‌هایی برای روشن شدن بحث پرسیدند. در چند سؤال- از جمله سؤال مصطفی معین- این مغفغه وجود داشت که آیا نمی‌توان میان مفهوم کرامت انسانی قرآن و بیانیه حقوق بشر بیشتر به دنبال شباهت‌ها و نزدیکی‌ها بود.

تعارض نهادهای فرهنگی

برداشت مذموم تلقی می‌گردد متمایل می‌شود. از این رو آموزش و پرورش در جامعه جدید ایرانی شدیداً به دنبال ساختن انسان‌هایی است که زیاده‌خواهی را کنار بگذارند، غیرتجمل‌گرا باشند و بر نفس خود لگام بگذارند. در مقابل تلویزیون روندی متناقض و متضاد را طی می‌کند. تلویزیون الگویی از جامعه مصرفی را خواسته یا ناخواسته ترویج می‌کند. در حالی که خانواده‌ها تحت‌تاثیر تلویزیون‌زیر بمباران تبلیغات کالاها و شکل‌گیری نیازهای کاذب قرار می‌گیرند، فرزندانشان در مدرسه به رعایت زندگی زاهدانه توصیه می‌شوند. اینجنین است که نه‌تنها یک‌دستی و همگنی‌سازی در کلیت جامعه وجود ندارد بلکه باید گفت تعارض‌های شدیدی درون جامعه وجود دارد که در نهایت به نفع الگوهای سرمایه‌دارانه زندگی تمام خواهد شد. همه چیز را اینجا بازگویم که به گونه‌ای که اگر ارزش‌های مصرف‌گرایانه را محور قرار دهیم تلویزیون و سایر رسانه‌ها قلمرو آموزش و مدرسه قلمرو فراغت و سرگرمی محسوب خواهد شد.



باهش‌تر (بازیکن تکنیکی‌تر) همیشه در تیمی (جامعه‌ای) با افرادی هم‌طراز خود نیست و ناچار دچار جبر همبازیان‌کودن است و چه بسا تمام خلایق و اندیشمندنی تو را دروازه‌یابی به باد دهد (مانند همان بسیار دروازه‌بانان تاریخ که بر اثر خواب و یا طمع، دروازه شهر را بر دشمن می‌گشودند و تمامی رشته‌های تدبیر دفینر دهانش شهر و مقاومت مردم شهر بشم می‌شد) و یا حاکمان ظالم (مرعی‌کم‌هوش) که تمامی قابلیت‌های یک ملت (تیم) را با باد می‌دهد. از آن گذشته گزینه شانس است که محبوس‌گرایان از طرف‌ت‌ترش سعادت و تمول است و این طرف‌ترش بدبختی و فقر.
و از دیگر سو مردمی غرق در توهم بازی‌اند. گویی بازی‌های جام‌جهانی محل لشکرکشی اقوام مختلف برای تحقیر یکدیگر است و آن‌جا نشان دادن تور دروازه توسط بازیکن حریف می‌آشوند که او را محاربتحقیرکرد و الخ. فراموش می‌کنیم که این یک بازی است و تکان دادن تور به معنی توهین به یک ملت نیست و آن شادی بعد از رد شدن توپ از دروازه است که بازیگر خسته یک ساعت دویده‌است برای این رد شدن. برنده شدن جام زشت جهانی توسط هر کشور در بهترین حالت فقط نشان‌دهنده پر بوودن آن ملت از جوانانی است که محکم‌تر از جوانان دیگر ملل به توپ چرمی ضربه می‌زنند و یا با توپ شیرین بازی می‌کنند. فقط همین.
و مردمی که باخت تیم شویت‌لشان را شکست و آبروریزی ملی می‌دانند، در حالی که در عرصه‌های مربوط به همان آبرو و ناموس (حاکایت دخترپچکان‌های چاره‌م‌هوشن که هر روزه به شیوخ عرب فروخته می‌شوند) بد باخته‌اند و آبروی‌شان را در گور رد نشدن و یا شدن اتفاقی توپ از خط دروازه می‌دانند. گویی فراموششان شده که مگر در اموری که در حکم و اختیار خودشان بوده (اقتصاد و اخلاق و فرهنگ) مثلاً چقدر برنده شده‌اند؟

دموکراسی از کمبوجیه بهتر است

محمود صدری: اکثر ایرانی‌ها از کمبوجیه نامی می‌دانند و بس که آن‌را هم از دبستان با دوره راهنمایی یاد می‌کنند و حتی ملتفت نیستند که کمبوجیه مغرب همان «کامبیز» است. ولی کورش (پدر کامبوجیه) را همه می‌شناسند و دلایلش هم معلوم است. وقتی از یک پدر عادل و عاقل پسر لرز و چاقوکشی به عمل می‌آید که ازبیه و آبروی پدر را بر باد می‌دهد هیچ‌کس دل خوشی ندارد که این پسر را خلف صالح آن پدر بداند. حالا می‌گویید ما خودمان مشکلات کم داشتیم که معضلات عهد هخامنشی را به یادمان می‌آوری؟

بگذارید بگویم اصلاً چه شد که به یاد کمبوجیه اقدام و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد.

ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیریم و رفع زحمت کنیم. در کنار دیوار بیرونی بزرگترین معبد دنیا که «کارنک» در حاشیه رود نیل باشد ایستاده بودیم. این مجموعه به قدری وسیع است که همه تخت جمشید در یک گوشه‌اش جا می‌گیرد. ظاهرآ فراتع مصر (که همه‌شان مغضوب و منقور نبوده‌اند و بعد یک نتیجه شبه اخلاقی هم بگیر